

نمره ۴

الف ( به نثر ساده و روان معنی کنید .

- ۱- همچو نی زهری و تریاقی که دید؟
- ۲- از سیم به سر یکی کُله خُود
- ۳- عاکفان کعبه ی جلالش به تقصیر عبادت معترف .
- ۴- پروانه فُوت از عشق آتش خُورد .

همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟  
ز آهن به میان یکی کمر بند

نمره ۱

ب ( دو مورد درست معنی نشده اند؛ مشخص کنید.

- ۱- صفوت آدمیان و تتمه ی دور زمان: برگزیده ی انسان هاست و مایه ی کمال گردش روزگار است.
- ۲- واصفان حلیه ی جمالش به تحیر منسوب: توصیف کنندگان زیور و زیبایی خداوند در حیرت اند.
- ۳- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته : دانه ی خرما ، در اثر توجه و پرورش او ، به میوه ای بسیار شیرین و گوارا تبدیل شده .
- ۴ - گفت: باید حد زُند هشیار مردم ، مست را: محتسب گفت: مردم باید اندازه ی جرم و تنبیه تو را مشخص کنند.
- ۵ - شاهین تیزبال افق ها بودم . زنبوری طفیلی شدم : مانند شاهین تیز پرواز در کرانه های آسمان پرواز می کردم. مثل زنبوری وابسته شدم.

نمره ۱

پ ( معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

- ۱ - از نَفیرِم مرد و زن نالیده اند. ( )
- ۲ - عشق به همه جایی مأوا نکند. ( )
- ۳- پرده ی ناموس بندگان به گناه فاحش نَدَرَد. ( )
- ۴- مَسْکِ مرغ گرفتار قفس همچومن است) ( )

نمره ۲

ت ( املا ی واژه نادرست است؛ بیابید و شکل صحیح آن ها را بنویسید.

طاق ضربی - خُضرفرخنده پی - فضای اصرار آمیز - قایت عشق - حیاط و مَمات - شَرزه شیر آر غند-  
بنای تزویر - بیت الحزن- مُفَرَح ذات - سنا و ستایش - کَهَر و کَرند - دولت مُسْتَعَجَل



ادامه ی پرسش های درس فارسی ۳

ذ ( صاحب هر اثر را مشخص کنید. ( ۲ مورد اضافی است )  
ترجمه ی کلیله و دمنه ( ) قصه ی شیرین فرهاد ( ) فیه ما فیه ( ) روایت سنگسازان ۲ ( )  
۱- عیسی سلمانی لطف آبادی ۲ - نصرالله منشی ۳ - شهاب الدین سهروردی ۴ - محمد رضاشفیعی کدکنی  
۵ - احمد عربلو ۶ - مولوی

ر ( از میان مصراع های زیر ، مورد مناسب هر جای خالی را انتخاب کنید.  
۰/۵ نمره  
« بیداری ستاره در چشم جویباران - دیوار زندگی را زین گونه یادگاران  
کاین گونه فرصت از کف دادند بی شماران - فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران»  
۱ - ای مهربان تر از برگ در بوسه های باران  
۲ - پیش از من وتو بسیار بودند و نقش بستند

ز ( مصراع های به هم ریخته را مرتب کنید .  
۰/۵ نمره  
۱- وجود - دست - بشوی - چو - از - مردان - مس - ره ( )  
۲- سرت - تا - نور - همه - شود - از - خدا - پای ( )

ژ) با توجه به ۲ بیت زیر به پرسش ها پاسخ دهید .  
۱ نمره  
« ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند  
پنهان مکن آتش درون را زین سوخته جان شنو یکی پند»  
۱ - چرا شاعر دماوند را «دیوسپید» دانسته است؟  
۲ - منظور از « دماوند » و « سوخته جان چیست؟

س ( درک و دریافت خود را از عبارت های زیر بنویسید .  
۱ نمره  
۱ - سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل ها افزون آید.

۲ - ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است و لابد هر چه به واسطه ی آن به خدا رسند ، فرض باشد به نزدیک طالبان .

ش ( مفهوم هر یک از ابیات زیر را بنویسید .  
۱ نمره  
۱ - هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت  
آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

۲ - جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن  
بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

به نام ایزد دانا و توانا

\* پاسخنامه درس فارسی ۳ عمومی \*

دیماه ۱۴۰۰

الف ( ۱ - چه کسی چیزی مانند نی دیده که هم زهر باشد و هم پادزهر و هم همدم باشد و هم مشتاق رسیدن به معشوق ؟

- ۲- برف را مانند کلاه خودی نقره ای بر قلّه داری و سنگ ها و صخره هایی چون کمر بند آهنین بر میان بسته ای  
۳ - گوشه نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهی خود در عبادت اقرار (اعتراف) می کنند.  
۴ - خوراک پروانه ، عشقی است که به آتش دارد.

ب ( گزینه های ۳ و ۴ نادرست است.

- پ ( ۱ - نفیر = فریاد و زاری به صدای بلند      ۲ - مأوا = جایگاه ، منزل  
۳ - فاحش = آشکار ، واضح                      ۴ - مسلک = روش ، طریق

ت ( شکل درست واژه ها: فضای آسراآمیز - غایت عشق - حیات و ممات - ثنا و ستایش

ث ( محتسب = نهاد      مست = مفعول      ره = متمم      پیراهن = مسند

ج ( خویش = مضاف الیه مضاف الیه

چ ( ۱ - فعل است به قرینه ی لفظی حذف شده      ب ( فعل است به قرینه ی معنوی حذف شده

ح ( ساز ، سنتور = تضمّن      درد ، درمان و دارو = تناسب

خ ( مثال ها متنوع است . مانند: یک جلد کتاب - دو جفت کفش - سی فروند هواپیما و .....

د ( ۱ - روز : مجاز از روز      روز ، سوز (روزها، سوزها) : جناس نا همسان

۲ - سپیدمعجز : استعاره از برف      سپید ، کبود : تضاد

۳ - خاک شدن : کنایه از فروتنی کردن

۴ - دیوار اّمّت : تشبیه      اّمّت : مُشَبَّه      دیوار : مُشَبَّه بَهِ

ذ ( ترجمه ی کلیله و دمنه : نصرالله منشی

روایت سنگرسازان ۲ : عیسی سلمانی لطف آبادی

قصه ی شیرین فرهاد: احمد عربلو

فیه ما فیه : مولوی

ر ( ۱- بیداری ستاره در چشم جویباران

۲ - دیوار زندگی را زین گونه یادگاران

ز ( ۱ - دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

۲ - از پای تا سرت همه نور خدا شود

ژ ( ۱ - چون دماوند پوشیده از برف است

۲ - دماوند= آزادی خواهان سوخته جان = خود شاعر

س ( ۱ - برتری عشق بر عقل

۲ - عشق لازمه ی رسیدن حق است .

ش ( ۱ - رسیدن به آسایش با ترک خواسته ها

۲ - جان فشانای در راه وطن